

The Relationship Between Sense of Place Attachment and Individual Characteristics Based on the Williams and Vaske Framework (Case Study: Samaneh Lane, Shahid Faramarz Abbasi Neighborhood, Mashhad)

1. Seyed Mahdi Mirhashemi[✉]*: Department of Architecture, Faculty of Art, University of Bojnord, Bojnord, Iran.

2. Navid Shayesteh dust[✉]: MA, Department of Architecture, Faculty of Art, University of Bojnord, Bojnord, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Mirhashemi@ub.ac.ir

How to Cite: Mirhashemi, S. M., & Shayesteh Dust, N. (2025). The Relationship Between Sense of Place Attachment and Individual Characteristics Based on the Williams and Vaske Framework (Case Study: Samaneh Lane, Shahid Faramarz Abbasi Neighborhood, Mashhad). *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(3), 1-17.

Abstract:

This study aimed to examine the relationship between residents' individual characteristics and the dimensions of place attachment, namely place identity and place dependence, in Samaneh Lane, Mashhad. This research employed a descriptive-analytical design based on documentary studies and field surveys. Data were collected using the standardized Williams and Vaske Place Attachment Questionnaire, which was localized and content-validated by experts prior to administration. The questionnaire consisted of two sections: individual characteristics (gender, age, marital status, housing tenure, education level, place of birth, and length of residence) and place attachment measured across two dimensions of place identity and place dependence. A total of 120 residents participated in the study. Given the non-normal distribution of variables, Spearman's rank correlation coefficient was used to test the relationships, with the significance level set at 0.05. Spearman correlation analysis revealed a significant negative relationship between housing tenure (tenancy) and both place identity ($r \approx -0.23$, $p < 0.05$) and place dependence ($r \approx -0.28$, $p < 0.01$). Length of residence showed a significant positive correlation with place identity ($r \approx 0.29$, $p < 0.01$) and place dependence ($r \approx 0.23$, $p < 0.05$). Place of birth was positively and significantly associated with both dimensions of place attachment ($p < 0.05$). Education level demonstrated a significant inverse relationship with place dependence ($r \approx -0.23$, $p < 0.05$) but was not significantly related to place identity. No significant associations were found between age, gender, or marital status and place attachment ($p > 0.05$). The results indicate that place attachment in Samaneh Lane is at a moderate-to-high level and is mainly influenced by housing tenure, length of residence, place of birth, and education, with length of residence emerging as a key and potentially modifiable factor for enhancing neighborhood quality and social sustainability.

Keywords: Place attachment, place identity, place dependence, individual characteristics, Williams and Vaske

Received: 24 August 2025

Revised: 01 January 2026

Accepted: 08 January 2026

Published: 20 February 2026



رابطه حس تعلق با ویژگی‌های فردی و سنجش آن بر اساس دیدگاه ویلیامز و واسکه (مطالعه موردی: کوی ثمانه، محله شهید فرامرز عباسی، مشهد)

۱. سید مهدی میرهاشمی^{id*}: گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. نوید شایسته دوست^{id*}: کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Mirhashemi@ub.ac.ir

نحوه استناددهی: میرهاشمی، سید مهدی، و شایسته دوست، نوید. (۱۴۰۴). رابطه حس تعلق با ویژگی‌های فردی و سنجش آن بر اساس دیدگاه ویلیامز و واسکه (مطالعه موردی: کوی ثمانه، محله شهید فرامرز عباسی، مشهد). *تجلی هنر در معماری و شهرسازی*، ۳(۴)، ۱۷-۱.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه ویژگی‌های فردی ساکنان با ابعاد حس تعلق به مکان (هویت مکانی و وابستگی مکانی) در کوی ثمانه شهر مشهد است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که با تکیه بر مطالعات اسنادی و برداشت‌های میدانی انجام شده است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد ویلیامز و واسکه بود که پس از بومی‌سازی و تأیید روایی محتوایی توسط صاحب‌نظران، در میان ۱۲۰ نفر از ساکنان کوی ثمانه توزیع شد. پرسشنامه شامل دو بخش ویژگی‌های فردی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، سطح تحصیلات، محل تولد و مدت سکونت) و سنجش حس تعلق مکانی در دو بعد هویت و وابستگی بود. به دلیل نرمال نبودن توزیع داده‌ها، برای تحلیل روابط از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد و سطح معناداری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد بین وضعیت مسکن و هر دو بعد حس تعلق رابطه معنادار معکوس وجود دارد (برای هویت مکانی $r \approx -0.23$ ، $p < 0.05$ و برای وابستگی مکانی $r \approx -0.28$ ، $p < 0.01$). مدت سکونت با هویت مکانی رابطه مستقیم و معنادار داشت ($r \approx 0.29$ ، $p < 0.01$) و همچنین با وابستگی مکانی نیز همبستگی مثبت معنادار نشان داد ($r \approx 0.23$ ، $p < 0.05$). محل تولد با هر دو بعد حس تعلق رابطه مستقیم معنادار داشت ($p < 0.05$). سطح تحصیلات با وابستگی مکانی رابطه معکوس معنادار نشان داد ($r \approx -0.23$ ، $p < 0.05$)، در حالی که با هویت مکانی رابطه معنادار مشاهده نشد. متغیرهای سن، جنسیت و وضعیت تأهل فاقد رابطه معنادار با حس تعلق مکانی بودند ($p > 0.05$). یافته‌ها بیانگر آن است که حس تعلق مکانی در کوی ثمانه در سطحی متوسط رو به بالا قرار دارد و متغیرهایی نظیر وضعیت مسکن، مدت سکونت، محل تولد و سطح تحصیلات نقش تعیین‌کننده‌تری در تبیین آن ایفا می‌کنند. به‌ویژه مدت سکونت که به‌عنوان متغیری مداخله‌پذیر می‌تواند محور سیاست‌های ارتقای کیفیت محله قرار گیرد.

کلیدواژگان: حس تعلق به مکان، هویت مکانی، وابستگی مکانی، ویژگی‌های فردی، ویلیامز و واسکه

تاریخ دریافت: ۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۸ دی ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ اسفند ۱۴۰۴



مشارکت بین افراد جامعه یکی از مواردی است که به تداوم زندگی بشر کمک می‌کند. یکی از این مکان‌ها که در آن مشارکت و تعامل اجتماعی رخ می‌دهد، محله است. کوی نیز بخشی از محله است.

حس تعلق به مکان، یکی از پارامترهایی محسوب می‌شود که در میزان تعاملات اجتماعی مکان موثر است. از طرفی یکی از مواردی که منجر به رشد و پیشرفت محله و در انتها شهر می‌شود، افزایش سطح کیفیت شهر است. یکی از راهکارهای افزایش کیفیت بیان شده، ارتقای حس تعلق به مکان است. حس تعلق به مکان میان محیط و انسان ارتباط برقرار می‌کند (1). اما انسان‌ها ذاتاً با هم متفاوت هستند (2) و بخشی از این تفاوت‌ها از ویژگی‌های فردی آن‌ها نشأت می‌گیرد. در یک موقعیت معین، ویژگی‌های فردی هر شخص موجب می‌شود که او رفتاری متناسب با خود اتخاذ کند. چون ویژگی‌های فردی می‌توانند به صورت‌های کاملاً متفاوت و چندگانه جفت و جور شوند، بنابراین می‌توان انتظار داشت که در یک موقعیت معین، واکنش‌های متفاوتی وجود داشته باشد (2).

ویژگی‌های فردی می‌تواند شامل سن، جنس، میزان تحصیلات، سال سکونت، وضعیت تاهل و محل تولد باشد و تفاوت در هریک از موارد فوق، فرد را از دیگری متمایز می‌کند. همچنین هر فرد با توجه به ویژگی‌های فردی خود، نیاز، انگیزه و توجیهی متفاوت از مکان (محله) دارد. به طور مثال کسی که پنج سال در یک محله سکونت دارد، نسبت به فردی که تازه به آن محله اسباب‌کشی کرده است، انتظار می‌رود وابستگی و معناداری آن محله برایش بیشتر باشد و در ادامه احساس مسئولیت بیشتری نسبت به آن مکان داشته باشد. پس هریک از ویژگی‌های فردی باید مورد بررسی قرار بگیرد که در صورت وجود ارتباط معنادار بین پارامترهای ویژگی‌های فردی و ابعاد حس تعلق به مکان، ترتیبی اتخاذ شود که کدام عامل تاثیر بیشتری بر ابعاد حس تعلق به مکان را ایجاد می‌کند. در نتیجه آگاهی از تاثیرگذاری یا عدم آن در ایجاد حس تعلق به مکان با توجه به هدف این مقاله می‌تواند سودمند باشد و به ارتقا حس تعلق در آن مکان کمک نماید.

حس تعلق به مکان، به کلمه‌ای کلیدی تبدیل شده است که برای توجیه همه چیز از تحسین یک منظره طبیعی گرفته تا دلیلی برای ماندن یا تغییر مکان از خانه یا مکانی بزرگ‌تر به محلی دیگر استفاده می‌شود. حس مکان از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که هرکدام حس تعلق مکان را به صورت خاص و متفاوت دسته‌بندی کرده‌اند که این مقاله به برخی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها می‌پردازد. برای درک بهتر حس تعلق به مکان ابتدا باید مفهوم مکان را درک نمود. بر طبق دیدگاه شولتز در ارتباط با مکان می‌گوید به مجموعه چیزهای عینی که یک خصلت محیطی را مشخص می‌کند که از مصالح مادی، شکل، بافت و رنگ ساخته شده است که این موارد اساس مکان را تشکیل می‌دهد (3).

اصطلاح مکان شامل ترکیبی از محیط انسانی و فیزیکی است که شامل نگرش و احساسات انسانی نسبت به آن می‌شود. شامایی و کلرمن (۱۹۸۵) نشان می‌دهند که ارتباط بین حس مکان (منطقه) و جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی و اداری و مرزهای منطقه‌ای، جنبه‌های فیزیکی مکان است که در کنار هم دلبستگی به مکان را تشکیل می‌دهند (4). زمانی که حس تعلق در مکان وجود نداشته باشد و فرد خود را جزئی از مکان نداند، آن مکان دچار حس بی‌مکانی شده است (5). یانگ، در یکی از تحقیقات خود برای بررسی معنی و مفهوم مکان ۳۰ مورد را ذکر کرد و آن را در قالب پرسشنامه‌ای تدوین نمود. سپس آن را در اختیار ۱۰۰۰ نفر قرار داد. در نهایت بر طبق آن مکان را ضعیف، منصفانه و خوب ارزیابی کرد. این ۳۰ مورد در جدول شماره ۱ آورده شده است (6, 7).

جدول ۱. بررسی معنی و مفهوم مکان (پارامترهای مکان) از دیدگاه یانگ (6، 7)

پارامترهای مکان	
۱- کهن	۱۱- مهم برای فرهنگ بومی
۲- بکر	۱۲- توسعه نیافته
۳- خوش منظره	۱۳- گرمسیری
۴- کنترل از راه دور	۱۴- غیرعادی
۵- منحصر به فرد	۱۵- از نظر علمی ارزشمند
۶- مکانی مهم برای حفظ و نگهداری	۱۶- مهم بودن از نظر زیست محیطی
۷- اصیل	۱۷- سرگرم کننده
۸- امتیاز بازدید	۱۸- تهدید کننده
۹- زیبا	۱۹- شلوغ
۱۰- آرامش بخش	۲۰- خطرناک
	۲۱- جالب
	۲۲- آموزشی
	۲۳- راحت
	۲۴- آرام
	۲۵- از نظر معنوی با ارزش بودن
	۲۶- شکننده
	۲۷- سرزمین رام نشده
	۲۸- تاریخی
	۲۹- عجیب غریب
	۳۰- پر ماجرا

حس مکان، راهبرد معنادهی به درک حسی افراد بر مبنای ویژگی‌های فردی است. این راهبرد بسته به عناصر تشکیل دهنده فضا و ادراک شخصی فرد از مجموعه عناصر، متفاوت می‌شود (8). ویژگی‌های فردی و جایگاه آن در ارتباط با حس تعلق را می‌توان در تحقیق زارعی و عرفانی که عوامل تاثیرگذار بر حس تعلق به مکان را به دو بخش اصلی فردی (تصاویر ذهنی، ویژگی‌های فردی) و محیطی (ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی) بیان شده است، مشاهده کرد. ویژگی‌های فردی شامل شغل، وضعیت مسکن، فرهنگ مرجع، سال سکونت (9)، سن، جنسیت، وضعیت تاهل و محل تولد می‌باشد.

از دیدگاه ادوارد رلف^۱ برای بررسی حس تعلق به مکان باید پارامترهای آن را شناخت (10). بر این اساس با مشاهده جدول شماره ۲ می‌توان برخی از مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها را در ارتباط با پارامترهای حس تعلق به مکان متوجه شد.

جدول ۲. بررسی شاخص‌های مؤثر حس تعلق به مکان (11-13)

نظریه پرداز	عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان
آلتمن (14)	عوامل ادراکی-شناختی فردی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی کالبدی
اسکانل و گیفورد (15)	بعد شخص، بعد فرآیند روان‌شناختی، بعد مکانی
استیل (16)	عوامل روان‌شناختی شناختی و عوامل کالبدی
شامای (17)	سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند وجود و شدت حس مکان متأثر از متغیرهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد

¹ Edward Relph

هفت سطح، شامای^۱ برای حس مکان در نظر گرفته است که شامل بی تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان، فداکاری برای مکان می باشد (18). در انتها، یکی از کامل ترین دسته بندی های حس مکان را می توان در مطالعات ویلیامز و واسکه^۲ یافت.

او، دلبستگی را به شدت با آشنایی و میزان تماس با مکان در ارتباط می داند. واسکه، دلبستگی مکانی^۳ را به دو بعد تقسیم می کند، وابستگی به مکان^۴ و هویت مکان^۵. وابستگی به مکان یک پیوست عملکردی است که با ظرفیت یا پتانسیل یک مکان برای پشتیبانی از نیازها، اهداف یا فعالیت های در نظر گرفته شده از فرد ارتباط دارد. هویت مکان وابستگی عاطفی به مکان، شامل "خاطرات، ایده ها، احساسات، نگرش ها، ارزش ها، ترجیحات، معانی و برداشت ها" از مکان هایی است که بخشی از هویت شخصی فرد هستند. همچنین سابقه مراجعه مکرر به دلیل وابستگی به مکان می تواند منجر به هویت محل شود. با این حال، هویت مکان لزوماً نتیجه مستقیمی از تجربه خاص نیست، بلکه تحت تاثیر عوامل مختلف است که به مرور زمان توسعه می یابد (19). او برای هر بعد ۶ پارامتر معرفی کرده است که در این پژوهش نیز پرسشنامه مورد نیاز بر طبق دیدگاه ویلیامز و واسکه تدوین شده است. در بخش تجزیه و تحلیل داده ها، در جدول شماره ۳، ۱۲ پارامتر به طور کامل ذکر شده است.

حس تعلق به مکان را می توان در مقیاس مختلفی از جمله در سطح خانه (مقیاس کوچک) و محله (مقیاس بزرگ تر) بررسی کرد. محلات از جمله مهم ترین بخش های شهر هستند که وجود حس تعلق شهروندان نسبت به آنها از جمله ارزشمندترین معیارهای ارزیابی این فضاها به شمار می رود (20). امروزه ساختارهای متفاوت هر محله، موجب شده سطح تعلق به مکان در آن محله متفاوت از دیگری باشد (21). نقش محله های امروزی، به علت کم رنگ شدن روابط اجتماعی کاهش یافته است که یکی از دلایل آن کمبود شدید فضاهای مطلوب شهری است که عامل اصلی آن رشد سریع، بی برنامه و ناهماهنگ شهرها بوده است (5) که موجب تغییر تصور و احساس انسان از مکان می شود (22). در پاسخ به این معضلات، یکی از مواردی که می توان از طریق آن تعاملات اجتماعی را دوباره افزایش داد، ارتقای حس تعلق انسان به محله است (5). ارتقای آن موجب شکل گیری رابطه های خاص بین انسان و مکان می گردد (23). نتیجه ی وجود حس تعلق به مکان، می تواند منجر به تمایل به ماندن و احساس امنیت (1)، خاطره انگیزی، امنیت و ایمنی، ماندگاری، نظم و تعادل همچنین هویت تاریخی می شود (24). به عنوان مثال می توان پیوند عاطفی بین چشم انداز و انسان ها را نام برد (1). تاثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن انسان می گذارد و در نتیجه معنایی که با قرار گرفتن در محیط و فضایی خاص به انسان القا می شود، موجب تحولات فرهنگی و رفتاری می شود (25). در نتیجه باید کیفیت تمام فضاهایی که در محله قرار دارند را برای افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد تصاویر ذهنی قوی تر در ذهن ساکنان، ارتقا داد. همچنین باید محلاتی که از سطح تعلق مکانی بالایی برخوردار هستند، در جهت یافتن دلایل موفقیت شان استفاده شود. در نهایت با به کارگیری آن ها در سایر محلات ضمن در نظرگیری سایر عوامل مرتبط در جهت بهبود کیفیت محلات و شهر گام موثر برداشت.

1 Shamai

2 Daniel R. Williams and Jerry J. Vaske

3 Place Attachment

4 Place dependence

5 Place identity

محله‌ی شهید فرامرز عباسی یکی از محلات شهر مشهد است. به لحاظ موقعیت قرارگیری در ناحیه ۴ این شهر قرار گرفته است که برخی از ویژگی‌های این محله شامل، دارا بودن دسترسی مناسب، موقعیت قرارگیری، دارا بودن فضای سبز و... است. در این ناحیه فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی (مانند برگزاری کلاس‌های آموزشی ویژه شهروندان، برگزاری تورهای گردشگری، تشکیل و پیگیری شوراهای اجتماعی محلات در سطح منطقه، برگزاری المپیادهای ورزشی محلات، نصب و تجهیز بوستان‌ها و پارک‌های خطی به وسایل بدنسازی و...) شکل می‌گیرد. همچنین خدمات شهری (رفع آب‌گرفتگی معابر، رنگ‌آمیزی وسایل بازی و...) و توجه به فضای سبز (ایجاد، گسترش و نگهداری فضای سبز در سطح ناحیه) نیز در این ناحیه نیز صورت می‌گیرد که همه این موارد می‌تواند در افزایش حس تعلق مکانی موثر باشد.

با توجه به آنچه بیان گردید، پژوهش حاضر در نظر دارد با شناخت پارامترهای ویژگی‌های فردی و شاخص‌های حس مکان به بررسی میزان انسجام و استحکام پیوند انسان و مکان در کوی ثمانه مشهد بپردازد. همچنین به دنبال یافتن وجود رابطه میان ویژگی‌های فردی و میزان حس تعلق به مکان می‌باشد و اینکه در صورت وجود رابطه کدام پارامترها نقش اصلی را در میزان حس تعلق آن محله ایفا می‌کنند. اگر حس تعلق به مکان بالا باشد، پارامترهای تاثیرگذار آن را یافتن و آن‌ها را در سایر محلات دیگر تزیق کرد. همچنین در صورت پایین بودن حس تعلق به مکان، تلاش نمود تا آن را بهبود بخشید که نتیجه این امر بهبود کیفیت فضاهای سکونت، افزایش احساس رضایت و امنیت ساکنان، ارتقای انگیزه ساکنان به انجام فعالیت، مشارکت و همکاری، افزایش تعاملات اجتماعی و در نهایت باعث ایجاد تمایل ماندن در ساکنان کوی و محله می‌شود.

از این رو سوالات پژوهش عبارتند از

۱- احساس تعلق ساکنان محله‌ی ثمانه مشهد به محیط زندگی در چه سطحی قرار دارد؟

۲- پارامترهای حس تعلق به مکان در محله کدام‌اند و میزان تاثیرگذاری این مولفه‌ها در محله مورد مطالعه به چه میزانی است؟

۳- ویژگی‌های فردی شامل چه مواردی است؟

۴- ویژگی‌های فردی به چه میزان بر حس تعلق مکانی کوی ثمانه در محله شهید فرامرز عباسی می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ به بیان دیگر آیا بین ویژگی‌های فردی

و میزان حس تعلق رابطه‌ای وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق در کوی ثمانه در محله شهید فرامرز عباسی انتخاب شده است. روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در این راستا گردآوری داده‌ها مبتنی بر مشاهدات میدانی، همچنین مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای صورت گرفت. در این پژوهش از پرسشنامه ترجمه شده ویلیامز و واسکه به منظور بررسی رابطه‌ی حس تعلق مکانی با ویژگی‌های فردی در کوی ثمانه استفاده شده است. این پرسشنامه از طریق صاحب‌نظران نیز مورد بررسی قرار گرفته است و دو بخش را در برمی‌گیرد؛ بخش اول را سوال‌های دموگرافی و بخش دوم را سوال‌های طبقه‌بندی شده مرتبط با حس مکان در برگرفته است. به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت، بخش اول شامل ۸ سوال دموگرافی شامل جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت مسکن، سن، تعداد فرزندان، محل تولد، میزان تحصیلات، سال‌های سکونت است و بخش دوم این پرسشنامه، شامل ۱۲ سوال طبقه‌بندی شده با طیف لیکرت است. سوال‌های این بخش بر دو بعد حس مکان (وابستگی و هویت مکان) دلالت دارد که برای

هر بعد ۶ سوال مرتبط طراحی گردید. این دوازده سوال به صورت یک درمیان در پرسشنامه قرار گرفت که با توجه به تمامی موارد بتوان به ارزیابی دقیق‌تر پارامترهای حس تعلق مکانی پرداخت. تعداد ۱۲۰ پرسشنامه در بین افراد این کوی توزیع گردید. اطلاعات و پرسشنامه‌هایی که توسط شهروندان تکمیل شد، مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفت. در نهایت با توجه میزان تاثیرگذاری شاخص‌ها، پاسخ سوال‌های ابتدایی پژوهش و نتیجه‌گیری نهایی شکل گرفت.

محدوده و قلمرو مورد پژوهش

منطقه دو در حال حاضر وسعتی معادل ۳۸۴۴ هکتار دارد که ۱۰.۹ درصد کل شهر را به خود اختصاص داده و مقام چهارم را در بین مناطق دارا می‌باشد. این منطقه به ۴ ناحیه تقسیم شده است که ۲۳ محله را درون خود جای داده است. محله شهید فرامرز عباسی در ناحیه چهارم قرار می‌گیرد. بر طبق اطلاعات شهرداری منطقه ۲ مشهد، ناحیه چهارم، شامل محله شهید فرامرز عباسی، محله بهاران، محله جانباز، محله امیرالمومنین و محله فدک است. محدوده مورد مطالعه مورد نظر این تحقیق، کوی ثمانه واقع در محله شهید فرامرز عباسی، ناحیه ۴، منطقه ۲ شهر مشهد قرار دارد.



شکل ۱. ناحیه ۴، محله شهید فرامرز عباسی



شکل ۲. کوی ثمانه واقع در محله شهید فرامرز عباسی



شکل ۳: بوستان ثمانه واقع در محله شهید فرامرز عباسی





شکل ۴. تصاویری از کوی ثمانه در محله شهید فرامرز عباسی

پرسشنامه مذکور، دارای دو بخش است که بخش اول را سوال‌های دموگرافی (ویژگی‌های فردی) که در این پژوهش شامل جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت مسکن، سن، میزان تحصیلات، محل تولد و سال سکونت می‌شود. این ویژگی‌ها می‌تواند دارای طیف وسیع‌تری از جمله قد، وزن، میزان درآمد و... نیز باشد. اما باتوجه به این‌که از اهداف اصلی این مقاله بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی و حس تعلق به مکان در کوی ثمانه در محله شهید فرامرز عباسی است. پارامترهایی که شانس بیشتری در برقراری رابطه‌ای معنادار با حس تعلق را داشتند، انتخاب شدند. در نتیجه بر طبق تحلیل‌های صورت گرفته و نتایج حاصل از بخش اول نشان می‌دهد که تعداد زنان مورد مطالعه ۴۰ درصد و تعداد مردان ۶۰ درصد را به خود اختصاص داده است. همچنین در ارتباط با وضعیت تاهل می‌توان گفت، ۴۰ درصد مجرد و ۶۰ درصد از افراد متأهل تشکیل شده است. وضعیت مسکن نیز یکی دیگر از پارامترهایی است که در این پرسشنامه قرار گرفته که نشان می‌دهد ۷۰ درصد را افراد مالک و ۳۰ درصد را افراد مستاجر شامل می‌شود. این پرسشنامه توسط افراد با سنین مختلف که در یک بازه ۲۰ تا ۸۲ تکمیل شده است. محل تولد ۸۵ درصد این افراد در مشهد و ۱۵ درصد جز سایرین است. در نتیجه بیشتر افراد این کوی مالک و متولد مشهد هستند. میزان تحصیلات نیز به ترتیب ۳۵ درصد لیسانس، ۳۰ درصد دیپلم، ۱۰ درصد فوق دیپلم و فوق لیسانس به بالا، ۱۰ درصد سیکل و ۵ درصد زیر سیکل است. این درصدها نمایانگر آن است که سطح تحصیلات کوی ثمانه، قابل قبول و تقریباً باسواد است. همچنین سال سکونت در طیف ۲ تا ۴۰ سال تخمین زده شده که بیشترین درصد را ۲۵ سال با ۱۲ درصد به خود اختصاص داده است.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، بخش دوم این پرسشنامه، شامل ۱۲ سوال‌های طبقه‌بندی شده است و بر دو بعد حس مکان (وابستگی و هویت مکان) دلالت دارد. برای هر بعد ۶ سوال مرتبط طراحی شده است. این دوازده سوال به صورت یک درمیان در پرسشنامه قرار گرفت. در انتها باید اطلاعات حاصل از بخش اول و بخش دوم پرسشنامه با هم مقایسه شود. برای بررسی میزان رابطه ویژگی‌های فردی با ابعاد حس مکانی، از ضریب همبستگی اسپیرمن بهره گرفته شده است. زیرا متغیرها دارای توزیع غیرنرمال بوده است. همچنین این ضریب به منظور تعیین میزان، نوع و جهت رابطه‌ی بین متغیرهای مورد نظر استفاده شده است. به طور مثال برای بررسی رابطه میان هویت مکان و وضعیت مسکن از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شده است که آیا بین این دو پارامتر رابطه‌ای معنادار وجود دارد یا خیر. همچنین تعیین کرد که جهت رابطه مستقیم یا معکوس است. منظور از ویژگی‌های فردی همان سوال‌های دموگرافی است که پیش‌تر توضیح داده شد. در این پژوهش اگر $p\text{-value}$ از ۰.۰۵ کمتر باشد، دارای همبستگی و رابطه معنادار است.

جدول ۳. بررسی میزان رابطه ویژگی‌های فردی با ابعاد حس مکانی به کمک آزمون اسپیرمن^۱

ابعاد حس مکان	سوال‌های مرتبط	میزان همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
حس مکان	۱- احساس می‌کنم محله ثمانه بخشی از من است.	-۰/۳۳۲	۰/۰۱۱	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۲- محله ثمانه برای من بسیار خاص است.	۰/۱۹۰	۰/۰۴۱	با سال سکونت رابطه دارد
	۳- من به شدت با محله ثمانه شناخته می‌شود.	-۰/۲۲۶	۰/۰۱۳	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۴- من بسیار به محله ثمانه پیوسته شده‌ام.	۰/۲۳۲	۰/۰۱۱	با محل تولد رابطه دارد
	۵- با دیدن محله ثمانه می‌توانید بفهمید که من چه کسی هستم.	-۰/۲۴۲	۰/۰۰۸	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۶- محله ثمانه برای من معنی زیادی دارد.	-	-	-
وابستگی مکان	۱- محله ثمانه بهترین مکان برای کارهایی است که دوست دارم انجام دهم.	-۰/۲۰۵	۰/۰۲۴	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۲- هیچ مکان دیگری نمی‌تواند با محله ثمانه مقایسه شود.	-۰/۱۸۷	۰/۰۴۱	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۳- من از حضور در محله ثمانه بیش از سایرین احساس رضایت می‌کنم.	-۰/۲۸۱	۰/۰۰۲	با وضعیت مسکن رابطه دارد
	۴- کارهایی که در محله ثمانه انجام می‌دهم برای من مهم‌تر از انجام این کار در هر مکان دیگر است.	۰/۲۳۰	۰/۰۳۶	با سال سکونت رابطه دارد
	۵- من هیچ محله دیگری را برای انجام انواع کارهایی که در محله ثمانه انجام می‌دهم جایگزین نمی‌کنم.	۰/۲۳۷	۰/۰۰۹	با محل تولد رابطه دارد
	۶- من از انجام کارها در هر مکان دیگری به اندازه محله ثمانه لذت نمی‌برم.	-۰/۱۹۰	۰/۰۳۷	با میزان تحصیلات رابطه دارد
		-۰/۲۲۰	۰/۰۱۶	با وضعیت مسکن رابطه دارد
		۰/۱۸۸	۰/۰۳۹	با محل تولد رابطه دارد
		-۰/۲۳۳	۰/۰۱۰	با میزان تحصیلات رابطه دارد

بر طبق جدول (۳)، از بین پارامترهای ویژگی‌های فردی، ابعاد حس مکانی با وضعیت مسکن، محل تولد، میزان تحصیلات و سال سکونت رابطه معناداری وجود دارد اما جنسیت، وضعیت تاهل و سن در کوی ثمانه بر میزان حس تعلق مکانی تاثیر قابل توجهی نگذاشته است. در کوی ثمانه واقع در محله شهید فرامرزی عباسی وضعیت مسکن (اجاره، مستاجر بودن) شهروندان بر هر دو بعد حس مکانی (میزان وابستگی و هویت) این محله تاثیر می‌گذارد. با توجه به این که از ۶ سوال هویت ۵ پارامتر و از ۶ سوال وابستگی، ۶ پارامتر معنادار شده است. می‌توان نتیجه گرفت در کوی ثمانه، وضعیت مسکن بیشتر بر وابستگی مکان تاثیر می‌گذارد. از جهتی منفی بودن میزان همبستگی نشان می‌دهد، افراد مستاجر این کوی وابستگی کمتری به مکان خود دارند. محل تولد نیز بر هر دو بعد حس مکانی تاثیرگذار است و افرادی که در مشهد متولد شده‌اند، وابستگی بیشتری به مکان از خود نشان دادند. همچنین نمایانگر آن است که میزان تحصیل با وابستگی مکان رابطه معکوس دارد و تاثیری بر هویت این محله ندارد. به بیان دیگر هر چه میزان تحصیل بالاتر باشد حس وابستگی به محله کمتر است. همچنین سال سکونت

^۱ *. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

با هویت رابطه مستقیم دارد به طوری که ساکنانی که سال بیشتری در کوی ثمانه زندگی می‌کنند، این محله برایشان خاص تر، احساس پیوستگی با محله بیشتر و محله را معرف خود می‌دانند و بر وابستگی آن از محله نیز موثر است به طوری که احساس رضایت را بیشتر می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت برخی از شاخص‌های ویژگی‌های فردی می‌تواند بر حس تعلق به مکان تاثیر بگذارد.

بر خلاف سایر ویژگی‌های فردی، زمان سکونت افراد در یک محل را می‌توان با انواعی از مداخله بهبود بخشید، همچنین می‌توان بر اساس سابقه سکونت، بخشی از جمعیت یک محله را در طرح‌های مشارکت مورد هدف قرار داد. مساله مهم‌تر این است با توجه به پیچیدگی مفهوم حس تعلق، به راحتی نمی‌توان عوامل موثر بر آن را شناسایی و اقدام به تقویت آنها نمود اما در صورتی که زمان سکونت را به عنوان یک شاخص موثر بر حس تعلق در نظر گرفت، می‌توان عوامل فیزیکی و نیز تمایلات ساکنین برای افزایش زمان سکونت در یک محل را به سهولت بیشتری شناسایی و تقویت نمود. با توجه به همبستگی زمان سکونت با مولفه‌های حس تعلق که در این تحقیق شناسایی شده است می‌توان تسهیلات و اقداماتی را برای افزایش زمان سکونت طراحی نمود و به واسطه مداخله‌های نسبتاً ساده حس تعلق به مکان را بهبود بخشید. بررسی زمان سکونت همچنین می‌تواند یک شاخص کمی و ملموس برای بررسی وضعیت محلات از جهت کیفی باشد.

جدول ۴. بررسی میزان اثرگذاری حس مکان و ابعاد آن در کوی ثمانه در محله شهید فرامرز عباسی

ردیف	عنوان	مجموع موافق و خیلی موافق	بی طرف	مجموع مخالف و خیلی مخالف
۱	میزان حس تعلق مکانی	۵۵٪	۲۹٪	۱۶٪
۲	میزان هویت مکانی	۵۶٪	۳۰٪	۱۴٪
۳	میزان وابستگی مکانی	۵۳٪	۲۹٪	۱۸٪
۴	پارامترهای هویت ۱. محله بخشی از من است ۲. خاص بودن محله ۳. شناخته شدن توسط محله ۴. پیوسته شدن با محله ۵. محله معرف فرد ۶. داشتن معانی زیاد	۷۲٪	۱۸٪	۱۰٪
		۶۲٪	۳۴٪	۴۰٪
		۴۸٪	۲۸٪	۲۴٪
		۵۸٪	۲۹٪	۱۳٪
		۳۳٪	۴۴٪	۲۳٪
		۶۴٪	۲۵٪	۱۱٪
۵	پارامترهای وابستگی ۱. بهترین مکان ۲. غیرقابل مقایسه بودن مکان ۳. احساس رضایت ۴. مهم‌تر بودن محله ۵. عدم جایگزینی ۶. لذت بردن از محله	۵۸٪	۳۱٪	۱۱٪
		۳۹٪	۳۶٪	۲۵٪
		۷۲٪	۲۳٪	۶٪
		۵۷٪	۲۴٪	۱۹٪
		۵۰٪	۲۴٪	۲۶٪
		۴۴٪	۳۵٪	۲۱٪

خلاصه‌ای از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها را می‌توان در جدول (۴)، مشاهده کرد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، حس تعلق مکانی در کوی ثمانه شهید فرامرز عباسی وجود دارد. از بین پارامترهای حس تعلق، هویت کمی بیشتر از وابستگی در مکان وجود دارد. همچنین، بر اساس افرادی که

نگرش مثبتی به حس تعلق مکان داشتند می‌توان پارامترهای هویت را به ترتیب از بیشترین به کمترین به صورت: محله بخشی از من است، داشتن معانی زیادی محله برای ساکنان، خاص بودن محله، پیوسته شدن با محله، شناخته شدن توسط مکان و در نهایت محله معرف فرد بودن ذکر کرد.

همچنین بر اساس مطالب قبلی، می‌توان پارامترهای وابستگی مکان را از بیشترین به کمترین به صورت: احساس رضایت داشتن نسبت به محله، بهترین مکان بودن از دید ساکنان محله، مهم‌تر بودن محله نسبت به سایر محله‌ها، عدم جایگزینی این مکان، لذت بردن از محله و در نهایت غیر قابل مقایسه بودن این مکان نسبت به سایر بیان نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها، در پاسخ به سوال اول این پژوهش که میزان تعلق ساکنان محله‌ی ثمانه مشهد به محیط زندگی مورد پرسش قرار می‌دهد بر اساس جدول شماره ۴، حس تعلق به میزان قابل قبولی (سطح متوسط به بالا) در کوی ثمانه واقع در محله شهید فرامرزی عباسی وجود دارد. در جواب سوال پیرامون پارامترهای حس تعلق به مکان و میزان تاثیرگذاری این مولفه‌ها باید گفت برای بعد حس تعلق به مکان دو پارامتر، هویت مکانی و وابستگی مکان مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین با در نظر گرفتن این نکته که هر دسته، زیرمجموعه‌های خود را دارند، در این پژوهش برای هر بعد حس مکان، ۶ مورد اختصاص یافت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد، که میزان هویت در این مکان کمی بیشتر از وابستگی مکانی وجود دارد. در نتیجه پارامتر هویت از بعد حس تعلق به مکان نقش موثرتری در افزایش حس تعلق در این محله داشته است. در پاسخ به سوال سوم پیرامون ویژگی‌های فردی موثر در حس تعلق، در این پژوهش ویژگی‌های فردی شامل جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت مسکن، سن، میزان تحصیلات، محل تولد و سال سکونت مورد ارزیابی قرار گرفت. این مشخصات می‌تواند دارای طیف وسیع‌تری باشد. اما با توجه به این که هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه میان ویژگی‌های فردی و حس تعلق به مکان است. پارامترهایی که شانس بیشتری در برقراری رابطه‌ای معنادار با حس تعلق را داشتند، انتخاب شدند که پس از تحلیل یافته‌ها تاثیر برخی از ویژگی‌های فردی بر حس تعلق در کوی ثمانه واقع در محله شهید فرامرزی عباسی موارد ذیل استنتاج شد؛ این نتایج نشان داد که میان برخی از ویژگی‌های فردی با حس تعلق رابطه معناداری وجود دارد؛ میزان تاثیرگذاری پارامترهای ویژگی‌های فردی به ترتیب وضعیت مسکن، سال‌های سکونت، محل تولد و میزان تحصیلات (از بیشترین به کمترین) می‌باشد، به بیان دیگر ساکنانی که در این مکان مستاجر هستند یا ساکنانی که تحصیلات بالاتری دارند، حس تعلق کمتری به محله دارند. همچنین سال‌های سکونت و محل تولد رابطه مستقیمی با حس تعلق مکانی دارد. هرچه مدت زمان بیشتری را (سابقه سکونت) در این محله زندگی می‌کردند یا افرادی که در مشهد متولد (محل تولد) شدند به نسبت از حس تعلق بالاتری بهره‌مند هستند. به بیان دیگر میزان سال‌های سکونت نشان می‌دهد افراد به مرور زمان پاسخ نیازهای خود را در محیط می‌یابند. همچنین افرادی که محل تولد آنان با محل زندگی آنان یکی است، خود را بیشتر با محیط منطبق کردند. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد سابقه سکونت بیشتر با هویت در ارتباط است و سه مورد دیگر بیشتر بر وابستگی به مکان تاثیرگذار بوده است. تحقیقات نشان داد که سایر ویژگی‌های فردی از جمله سن، وضعیت تاهل و جنسیت در میزان حس تعلق به این مکان تاثیر زیادی نداشته است در نتیجه می‌توان گفت برخی از خصیصه‌ها و ویژگی‌های فردی می‌تواند بر حس تعلق به مکان تاثیر بگذارد. با در نظر گرفتن این مطلب که حس تعلق پیوند بین مکان و مردم است، به واسطه این ویژگی‌ها می‌توان اشخاص را از یک دیگر متمایز دانست و در زمان برنامه ریزی یا طراحی این ویژگی‌های جامعه هدف را مورد بررسی قرار داد. همچنین هر فرد با توجه به ویژگی‌های فردی خود، نیاز، انگیزه،

توقعی متفاوت از مکان (محله) دارد. از آنجا که بین زمان سکونت و میزان حس تعلق رابطه معناداری یافت شده است می‌توان زمان سکونت را به عنوان معیار کیفی برای بررسی وضعیت محلات شهری تعیین نمود و از همین متغیر به عنوان متغیر هدف برای بهبود مشارکت ساکنین در امور محلات استفاده نمود. به عنوان یک استراتژی لازم است با برآوردن نیازها و انتظارات اولیه ساکنین، مانند افزایش امکانات شهری، نورپردازی، تامین نیازهای مرتبط با کودکان و زنان به افزایش زمان سکونت در محله کمک نمود. استراتژی‌هایی برای افزایش میزان مالکین در مقابل مستاجرین و یا افزایش مدت سکونت مستاجرین نیز راهکار ثانویه در این زمینه است. همچنین با بررسی سایر روش‌هایی که میزان تعاملات اجتماعی این محله را افزایش می‌دهد می‌توان همزمان با افزایش میزان مشارکت از تغییر مکان ساکنان به محله دیگر جلوگیری نمود. هدف نهایی این است که با افزایش زمان سکونت، چرخه‌ای میان مشارکت و تعلق به مکان بوجود آورد، چرخه‌ای که نهایتاً زیست پذیری و کیفیت محله را افزایش خواهد داد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Introduction

Neighborhoods constitute one of the most important spatial settings for everyday social interaction and collective life, playing a decisive role in the continuity of urban living. Within neighborhoods, smaller residential units such as lanes and local clusters serve as primary arenas for social participation, interaction, and the formation of social bonds. One of the key concepts

influencing the quality of these interactions is sense of place attachment, which mediates the relationship between individuals and their lived environments and contributes directly to social cohesion, participation, and neighborhood sustainability. Enhancing the quality of urban life and neighborhood environments has increasingly been associated with strengthening residents' sense of place attachment.

Sense of place attachment establishes a meaningful link between humans and their environment (1). However, individuals are inherently diverse, and these differences are reflected in their perceptions, behaviors, and emotional responses to place (2). Individual characteristics such as age, gender, education, marital status, housing tenure, place of birth, and length of residence shape expectations, motivations, and needs in relation to place. As a result, individuals may experience the same spatial environment in markedly different ways. Variations in individual characteristics can therefore lead to diverse levels and forms of attachment to place within the same neighborhood context (2).

The concept of place has been explored from multiple theoretical perspectives. From a phenomenological viewpoint, place is understood as a combination of tangible physical elements such as material, form, texture, and color, which collectively create environmental character (3). Other approaches emphasize the integration of physical settings with social, cultural, political, and emotional dimensions, arguing that place attachment emerges from the interaction of these factors (4). In the absence of attachment, places may lose meaning for their inhabitants, leading to a condition described as placelessness (5).

Prior research has proposed various frameworks for understanding place attachment. Young identified multiple parameters for evaluating the meaning of place, categorizing places as weak, fair, or strong based on experiential attributes (6, 7). Other scholars conceptualize sense of place as a cognitive–perceptual strategy through which individuals assign meaning to spatial environments based on personal characteristics and sensory experience (8). Studies have also distinguished between individual and environmental determinants of place attachment, highlighting the importance of personal attributes alongside physical and social characteristics of place (9).

Among the most comprehensive and widely applied models is the framework proposed by Williams and Vaske, which conceptualizes place attachment as consisting of two primary dimensions: place identity and place dependence. Place dependence reflects the functional and instrumental bond between individuals and a place, based on the extent to which the environment supports desired activities and goals. Place identity, by contrast, represents the emotional and symbolic meanings through which places become integral to personal identity, encompassing memories, values, meanings, and feelings associated with place (19). This framework provides a robust basis for examining how individual characteristics relate to different dimensions of place attachment.

Urban neighborhoods, as key components of the city, are particularly relevant contexts for studying place attachment. Contemporary urban development, rapid growth, and uncoordinated expansion have weakened social relations and reduced opportunities for meaningful interaction in many neighborhoods (5). Strengthening place attachment has therefore been identified as a critical strategy for enhancing social interaction, security, satisfaction, and residents' willingness to remain in place (1, 23). Against this backdrop, the present study examines the relationship between individual characteristics and place attachment in Samaneh Lane, located in the Shahid Faramarz Abbasi neighborhood of Mashhad, using the Williams and Vaske framework.

Methods and Materials

This research adopted a descriptive–analytical design and was conducted in Samaneh Lane, situated within the Shahid Faramarz Abbasi neighborhood in District 2 of Mashhad. Data collection was based on a combination of documentary studies

and field surveys. The primary data collection instrument was the Williams and Vaske Place Attachment Questionnaire, which was translated, localized, and content-validated by subject-matter experts prior to administration.

The questionnaire consisted of two main sections. The first section captured individual characteristics, including gender, age, marital status, housing tenure, education level, place of birth, and length of residence. The second section measured place attachment through twelve Likert-scale items, evenly divided between the dimensions of place identity and place dependence, with six items allocated to each dimension. Items from both dimensions were interspersed throughout the questionnaire to enhance response accuracy.

A total of 120 questionnaires were distributed among residents of Samaneh Lane and subsequently collected for analysis. Given the non-normal distribution of variables, nonparametric statistical methods were employed. Spearman's rank correlation coefficient was used to assess the direction, strength, and significance of relationships between individual characteristics and the two dimensions of place attachment. Statistical analysis was performed using SPSS software, with a significance level set at 0.05.

Findings

Descriptive analysis indicated that the sample consisted of 60% male and 40% female respondents, with 60% married and 40% single participants. Housing tenure data showed that 70% of respondents were homeowners, while 30% were tenants. Respondents ranged in age from 20 to 82 years. The majority of participants (85%) were born in Mashhad, and educational attainment was generally moderate to high, with the largest proportion holding bachelor's degrees. Length of residence varied from 2 to 40 years, with longer residence durations being relatively common.

Spearman correlation analysis revealed significant relationships between several individual characteristics and dimensions of place attachment. Housing tenure demonstrated a significant negative correlation with both place identity and place dependence, indicating that tenants exhibited lower levels of attachment compared to homeowners. Length of residence showed a significant positive correlation with both dimensions, with stronger associations observed for place identity. Place of birth was positively associated with place attachment, suggesting that individuals born in Mashhad experienced higher levels of identity and dependence toward the neighborhood.

Education level exhibited a significant inverse relationship with place dependence but was not significantly related to place identity. In contrast, age, gender, and marital status showed no statistically significant relationships with either dimension of place attachment. Overall, results indicated that place attachment in Samaneh Lane was at a moderate to high level, with place identity slightly exceeding place dependence. Among individual characteristics, housing tenure, length of residence, place of birth, and education emerged as the most influential factors shaping residents' attachment to place.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that residents of Samaneh Lane experience a generally favorable level of place attachment, confirming the presence of meaningful emotional and functional bonds between individuals and their neighborhood. The stronger presence of place identity compared to place dependence suggests that symbolic meanings, emotional connections, and personal identification with the neighborhood play a particularly important role in shaping attachment in this context.

The results further indicate that not all individual characteristics exert equal influence on place attachment. Housing tenure emerged as a critical determinant, with tenants displaying weaker attachment across both dimensions. This finding underscores the importance of residential stability and ownership in fostering sustained bonds with place. Similarly, length of residence proved to be a key factor, positively associated with both place identity and dependence, highlighting the cumulative effect of

time on the development of attachment. Place of birth also contributed positively, suggesting that congruence between birthplace and place of residence enhances familiarity, emotional resonance, and identification with place.

In contrast, higher education levels were associated with reduced place dependence, potentially reflecting greater mobility, broader spatial choices, or weaker reliance on local environments for daily activities. The absence of significant relationships for age, gender, and marital status suggests that these characteristics may be less relevant in explaining place attachment within this specific neighborhood context.

From a practical perspective, the findings suggest that length of residence represents a particularly valuable and modifiable factor for urban policy and neighborhood planning. Unlike fixed characteristics such as age or birthplace, length of residence can be indirectly influenced through strategies aimed at improving neighborhood quality, enhancing amenities, supporting long-term tenancy, and increasing residential satisfaction. By encouraging longer stays, planners and policymakers may strengthen place attachment, promote social participation, and improve overall neighborhood livability.

In conclusion, this study confirms that place attachment is a multidimensional phenomenon shaped by specific individual characteristics, with housing tenure and length of residence playing central roles. Recognizing and integrating these factors into neighborhood planning and urban design strategies can contribute to more cohesive, resilient, and socially sustainable urban environments.

References

- Habibi D, Habibi D, Kasalaei A, Gorjipour F, Tavakoli M. Explaining Sense of Belonging to Place and Identity in Urban Spaces with Emphasis on Traditional Markets. *Memari-Shenasi*. 2018;1(3):1-8.
- Nekouei Moghadam M, Pirmoradi Bazanjani N. The Role of Individual Differences and Personality Traits of Employees in their Organizational Behavior. *Management Knowledge*. 2008;1(1):105-22.
- Biglou M, Bozormehr S. Phenomenology of Place and Non-Place in the Plays "The Staircase" and "Night on the Wet Cobblestones" by Akbar Radi. *Fine Arts - Performing Arts and Music*. 2018;23(3):15-24.
- Shamai S, Arnon S, Schnell I. From Home to Community and Settlement: Sense of Place in Different Scales. *Studies on Home and Community Science*. 2012;6(3):153-63.
- Rahimi R, Nasrollahi S, editors. Evaluating Environmental Qualities Regarding the Development of Old Neighborhoods (Case Study: Enghelab Neighborhood of Bojnourd). *The 1st National Conference on Urban Planning, Urban Management and Sustainable Development*; 2014.
- Young M. The social construction of tourist places. *Australian Geographer*. 1999;30:373-89.
- Semken S, Butler Freeman C. Sense of Place in the Practice and Assessment of Place-Based Science Teaching. *Science Education*. 2008;92:1042-57.
- Maleki MR, Parsa S, Vasigh B, Moradi E. Investigating Sense of Belonging to Place Considering Gender Differences (Case Study: Ilam City). *Journal of Housing and Rural Environment*. 2014;33(148):99-108.
- Zarei A, Erfani A. Investigating Factors Affecting the Design of Traditional Structure Facades in Promoting Sense of Belonging to Place. *Scientific Specialized Monthly of Research in Arts and Humanities*. 2018;2(10):13-24.
- Bazmi K, Mirzapour S, Afrasiabi Rad MS. Comparative Study of Sense of Belonging to Place in Neighborhoods of Khorramabad. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*. 2014;2(2):1-13.
- Javan Forouzandeh A, Motalebi G. The Concept of Sense of Belonging to Place and its Constituent Factors. *City Identity*. 2011;5(8):27-37.
- Mohsenzadeh Harouzi A, Farkish H, editors. Investigating the Impact of Physical Components on Promoting Sense of Attachment in Children's Schools. *The 3rd Annual Conference on Architecture, Urban Planning and Urban Management Research*; 2017.
- Kafi MA, Fathi S. Investigating Factors Affecting Attachment to Residential Neighborhood (Case Study: Kerman City). *Social Studies of Iran*. 2011;5(1):5-41.
- Altman I. *Environmental Psychology and Social Psychology*: Brooks/Cole Publishing co; 1976. 96-113 p.
- Scannell L, Gifford R. Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*. 2010;30:1-10.
- Steel F. *The Sense of Place*. Boston, Mass: CBI Publishing Company; 1998.
- Shamai S, Ilatov Z. Measuring sense of place; methodological aspects. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*. 2005;96:467-76.
- Falahat MS. The Concept of Sense of Place and its Forming Factors. *Fine Arts*. 2006;26(770):57-66.

19. Williams DR, Vaske JJ. The measurement of place attachment: validity and generalizability of a psychometric approach. *Journal of Forest Science*. 2003;49(6):830-40.
20. Balali Oskouei A, Gharehbaglou M, Heidari Torkamani M. Analyzing the Role of Mental Images in Creating a Sense of Belonging in Neighborhoods (Case Study: Shotorban Neighborhood of Tabriz). *Geography (Regional Planning) Scientific-Research Quarterly*. 2018;9(1):207-28.
21. Sholeh M. Old Gates in Contemporary Urban Collective Memory: Tracing Mnemonic Strands. *Fine Arts*. 2006;27(1192):17-26.
22. Moradi Razi Abad R, Javan Forouzandeh A, editors. Investigating the Concept of Place and Attachment to it in Performing Spaces. The 2nd International Conference on Research in Civil Engineering, Architecture, Urban Planning and Sustainable Environment; 2016.
23. Meshkini A, Ghasemi A, Hamzehnejad M. Evaluating Sense of Belonging to Place of Residents of New Cities (Case Study: New City of Hashtgerd). *Geographic Space*. 2014;14(48):41-56.
24. Mirgholami M, Aisham M. Conceptual Model of Evaluating Sense of Place Based on Physical, Perceptual, Functional and Social Components (Case Study: Imam Street, Urmia). *Urban Studies*. 2016;5(19):69-80.
25. Meshkini A, Moazzen S, Norouzi M. Urban Environmental Quality in Small Cities of East Azerbaijan Province. *Urban Ecology Research*. 2015;2(2):17-32.